

## نقد مقاله «دفاع مشروع، ترور و عملیات شهادت طلبانه در مذهب شیعه»

### اشاره

در پی درج مقاله «دفاع مشروع، ترور و عملیات شهادت طلبانه در مذهب شیعه» در شماره ۶ فصلنامه، نامه‌ای از سوی جناب آقای محمد عبداللهی در نقد برخی فروض و مستندات مقاله به مجله ارسال شد. برای آگاهی بیشتر مخاطبان گرامی مجله، متن نامه ایشان و در ذیل آن، جوابیه نگارنده ارائه می‌گردد:

### نامه رسیده

مدیر مسئول محترم فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی جناب آقای دکتر محمود تقی‌زاده  
داوری دامت توفیقانه

بعد السلام و اداء التحیة، یادآور می‌شود مقاله «دفاع مشروع» از شماره ۶ سال دوم، مورد مطالعه حقیق قرار گرفت. به موارد قابل مناقشه‌ای برخورد کردم که دو مورد از آن را متذکر می‌شوم که بخصوص مورد اول قابل اغماض نیست و لازم است تصحیح شود:  
الف. نویسنده فرضی را نسبت به صاحب جواهر می‌دهد که در این فرض، جهاد دفاعی منع می‌شود و حتی می‌توان گفت: حرام است و سپس می‌نویسد: این فرض «ناظر

به موقعیت کنونی عراق است.» و حال آنکه فرض صاحب جواهر این است: «لو اراد الکفارُ ملک بعض بلدان الاسلام مع بقاء المسلمین علی اقامة شعار الاسلام و عدم تعرضهم في احکامهم بوجه من الوجوه... إذ هو فی الحقیقة اعانة لدولة الباطل علی مثلها...» اشکال این است که فرض مذکور، مربوط به موردی است که مهاجم واقعاً کاری به اسلام و مسلمانان ندارد و فقط می‌خواهد باطلی را از میان بردارد، ولی مهاجم امروز عراق، روشن است که ظاهراً شعار دموکراسی می‌دهد و در ظاهر، با اسلام و شعائر اسلامی کار ندارد، ولی در باطن، به تدریج در مقام محو اعتقادات اسلامی و تفکر دینی است. آیا آمریکا از روز اول، سلطه خود را بر منابع مالی (نفت) استحکام نبخشید؟ آیا با تسلط بر منابع اطلاعاتی موجود در عراق، به تدریج، از آن‌ها علیه مسلمانان عراق و دیگر کشورهای مجاور، بهره‌گیری نمی‌کند؟ از روز اول، اسرائیلی‌ها را با لباس مبدل به عراق گسیل نداشت، و مهم‌تر از آن‌ها به تدریج، به نسبتی که بتواند حاکم شود، با نرم‌افزارهای فرهنگی - فیلم و سی دی و آموزش‌های غیر مرئی - در مقام تهاجم و شیخون فرهنگی و تفکر دینی بر نیامده است؟ مگر نویسنده از آنچه امروز آمریکا نسبت به مسائل فرهنگی در افغانستان انجام می‌دهد و در عین حال، به حسب ظاهر با اسلام و تشیع کاری ندارد، بی‌اطلاع است؟

در هر صورت، این ادعا که فرض صاحب جواهر ناظر به شرایط کنونی عراق است، یک افترای ناآگاهانه و بسیار ساده‌لوحانه است. لازم است تصحیح شود.

ب. در این مقاله، ادعا شده است که در فرهنگ شیعه و از نظر اندیشمندان، ترور به‌طور مطلق حرام است. صرف‌نظر از نقد محتوایی در اطلاق این حکم، اشکال فعلی این است که چرا مطلبی را از یک نفر نقل کرده و آن را به اندیشمندان و فرهنگ شیعه نسبت داده است؟

قم - محمود عبداللهی

## جواب نامه

جناب آقای حجة الاسلام والمسلمین دکتر محمود تقی زاده

مدیر مسئول محترم فصلنامه شیعه شناسی

سلام علیکم. عطف به نامه جناب آقای عبداللہی، در خصوص مقاله «دفاع مشروع، ترور و عملیات استشهادی در مذهب شیعه»، نکات ذیل را به عنوان توضیح، اشاره می‌کنم:

الف. جناب آقای عبداللہی از تحلیل مقاله درباره دیدگاه صاحب جواهر و تطبیق آن بر سیاست مراجع بزرگ شیعه در خصوص وضعیت کنونی عراق (جنگ صدام و بوش) انتقاد کرده بودند و عقیده داشتند که تطبیق فرض صاحب جواهر بر وضعیت کنونی عراق «یک افترای ناآگاهانه و بسیار ساده لوحانه» است.

توضیح: مقاله «دفاع مشروع» موقعیت شیعیان در زمانه جنگ صدام و بوش را تصویر می‌کند و کوشش می‌کند مبنای فقهی سیاست بی طرفی مرجعیت شیعه، آیه الله سیستانی، را در این جنگ تحلیل کند. بنابراین، یا باید سیاست بی طرفی معظم له را فاقد مبنای فقهی تصور کنیم که فرضی باطل است، و یا باید مبنایی فقهی برای دیدگاه و سیاست معظم له تصور نماییم که در این صورت، فرضی غیر از فرض مزبور از صاحب جواهر، که در مقاله به تفصیل آمده است، به نظر نمی‌رسد.

اگر ناقد محترم تحلیل فقهی دیگری از مسائل و فروض مزبور دارند، شایسته است تفصیل تحلیل خود را در اختیار نویسنده مقاله و عموم علاقه‌مندان قرار دهند.

ب. جناب آقای عبداللہی نظر مقاله را درباره «تحریم مطلق ترور در مذهب شیعه» انکار کرده‌اند و این برداشت را از نظر «محتوای اطلاق این حکم» تخطئه نموده‌اند.

توضیح: به نظر بنده، هیچ منبع فقهی و مستدلی وجود ندارد که دیدگاه ایجابی درباره ترور در مذهب شیعه داشته باشد. و اگر هم وجود داشته و یا دارد، بنده اطلاع ندارم. شایسته است جناب آقای عبداللہی برای آگاهی بیشتر نویسنده مقاله و دیگر خوانندگان علاقه‌مند به موضوع، منابع فقهی و استدلال‌های موجود یا حتی متصوّر در دستگاه فقه شیعه را درباره جواز و وجوه جواز ترور بیان نمایند.

همچنین مدیر محترم نشریه اشاره کرده بودند که بنا به اظهار برخی از خوانندگان ارجمند مقاله، ممکن است برداشت مقاله از نظر حضرت آیه‌الله العظمی فاضل لنکرانی مصاب نباشد. اینجانب دوباره به فتاوی‌ای ایشان نظر کردم، ظاهر این بیانات، همان‌گونه که در نشانی مقاله آمده است، چیزی علاوه بر استنباط موجود در مقاله را تداعی نمی‌کند.

بنابراین، یا خواننده محترم، فتوا و دیدگاه دیگری از حضرت آیه‌الله فاضل لنکرانی در دسترس دارند که من اطلاع ندارم، یا اینکه به متن همان مطالب ارائه شده در مقاله در نشانی مندرج آن مراجعه نکرده‌اند. شایسته است برای اطلاع بیشتر، دوباره منابع مذکور را ملاحظه نمایند و در صورت برداشت جدید و متفاوت، ما را نیز از خطا در فهم این مطالب آگاه نمایند.

با احترام - داود فیروزی

### ✽ توضیح و تصحیح

در زمینه گزارش «هفت روز در کابل» چاپ شده در شماره ۷ فصلنامه شیعه‌شناسی صفحات ۲۲۱ - ۲۴۲ به اطلاع می‌رساند که گزارش مزبور، به اشتباه به نام آقای فاضل حسامی به چاپ رسیده است. گزارش ایشان در این زمینه، مختصر بوده و از جامعیت لازم برخوردار نبود و از این رو کنار گذاشته شد و سپس گزارش دیگری، تهیه شده توسط روابط عمومی مؤسسه شیعه‌شناسی به چاپ رسید که به اشتباه نام ایشان همچنان باقی ماند.

بدین وسیله از جناب ایشان عذرخواهی می‌شود. در عین حال یادآور می‌شود که گزارش چاپ شده، بنا به دستور مدیرمسئول فصلنامه، می‌بایست تلخیص و تدقیق می‌شد و پس از انجام اصلاحات و تغییرات لازم به چاپ می‌رسید که متأسفانه این چنین نشد و به همان صورت خام و اصلاح نشده به چاپ سپرده شد که رنجش و آزرده‌خاطری تعدادی از دوستان را موجب گردید، که صمیمانه عذرخواهی می‌شود. در صفحه ۲۳۳ این مقاله، آثار منتشر شده از سوی «مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)»، از سوی ویراستار به اشتباه به آثار منتشر شده از سوی انتشارات «مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)» تغییر یافته که بدین وسیله، تصحیح و پوزش طلبیده می‌شود.